

ایرگون (اتزل)؛ سازمان نظامی ملی یا گروهی تروریستی؟

چاقویی که دسته خودش را هم برید!



محمد وحیدی

می‌گویند در جهنم مارهایی وجود دارد که انسان از دست آن‌ها به اژدها پناه می‌برد. این حالا حکایت گروهی منشعب از بیتار و هاگانا است که از شدت افراط‌گری، در مقابل مابقی گروه‌های نظامی عبری، انسان به همان‌ها پناه ببرد بهتر است. ایرگون در انگلیسی سازمان نظامی ملی در اسرائیل گفته می‌شد که به اختصار به آن اتزل می‌گفتند. یک سازمان نظامی زیرزمینی و در ابتدا محرمانه و مخفی که سال ۱۹۳۱ در اورشلیم، توسط فرماندهان و اعضای جدا شده از جنبش بیتار ژابوتینسکی و گروه نظامی هاگانا بودند. دلیل جدا شدنشان هم کم‌تأثیر بودن اقدامات این گروه‌ها در مواجهه با تجاوز! اعراب بود.

اسمش را نبر

به دلایل محرمانه بودن و همین‌طور اطلاع از این که افکارشان تا چه حد حتی در میان یهودیان تند و خطرناک است، اسم سازمان را نمی‌بردند و تنها به آن گروه «دفاع» یا «وضعیت» می‌گفتند. آش‌تندروی‌های این دسته از اعضای هاگانا و بیتار آن قدر شور شد که دولت بریتانیا در زمان قیمومیت و بیشتر دولت‌های اروپایی، ایرگون را یک سازمان تروریستی می‌دانستند. جالب اینجاست که مخالفان این سازمان فقط اروپایی‌ها نبودند، بلکه بیشتر اعضای آژانس یهود و کمیسیون تحقیق انگلو-آمریکایی در امور اسرائیل که به سازمان جهانی صهیونیسم خدمات می‌داد هم از مخالفان درجه اول ایرگون بود. بیشتر اعضای این سازمان از مسیحیان صهیونیستی بودند که با مهاجرت و تشکیل دولت یهودی موافقت سفت‌وسخت بیشتری از یهودیان داشتند، اما تندروری‌های ایرگون جایی برای مباحثات نگذاشته بود. البته این هم از روی انسانیت و دلسوزی نبود. این مخالفت‌ها از دو منظر بود. اول این که در ترمیم چهره یهودیان اثر سوء داشت و در کار پله‌پله آژانس یهود، یعنی مهاجرت و نهادسازی در فلسطین خدشه وارد می‌کرد. دولت بریتانیا برای مهاجرت یهودیان از اروپا و سایر نقاط جهان به فلسطین، حد و حدودی تعیین کرده بود که آژانس و صندوق ملی روی آن برنامه‌ریزی کرده بودند. اما اعضای ایرگون اعتقاد به مهاجرت بیشتر، تسلیح‌سازی آن‌ها و آموزششان داشتند. برای همین کانال دریایی قاجاق یهودیان را راه انداختند. یا در کشتی‌های بیشتر از حد معمول یهودی بار می‌زدند و دور از چشم مأموران دولت قیمومیت، وارد فلسطین می‌کردند. همین خلل در روند اصولی تشکیل دولت که آرام‌آرام، آژانس و کنگره صهیونیسم در حال پیگیری بودند، یکی از دلایل مخالفت بود. از منظر دیگر، ایرگون فقط با تهدید اعراب مقابله نمی‌کرد. از دید اعضای ایرگون هرکسی و هر دولتی که ذره‌ای با اهداف و ایدئولوژی‌شان زاویه داشت یا مانعی سرراشان بود دشمن تلقی می‌شد و باید حذف می‌شد. ایرگون از دولت بریتانیا بسیار تلفات گرفت و حتی دست به ترورهای علنی می‌زد. نه فقط در فلسطین تحت دولت قیمومیت، بلکه در اروپا و آمریکای جنوبی. تا جایی که الان اسنادی مشخص شده که با شروع جنگ جهانی بسیاری از ترورها از دو طرف درگیری (چه متفقین، چه متحدین) توسط ایرگون انجام شده

است. همین باعث می‌شد که گروهی از یهودیان که هنوز خود را متعلق به سرزمین‌های اشغالی نمی‌دانستند و منافعی در اروپا و آمریکا داشتند، این منافع را، با اقدامات ایرگون در خطر می‌دیدند.

با حفظ سیمت، فرمانده کل قوا!

این عین عبارتی است که برای ژابوتینسکی در مقالات مورد اشاره به ایرگون برده شده. در شماره‌های قبلی مفصل در مورد ژابوتینسکی و سودای راه‌اندازی گردان تمام عبری صحبت کردیم. گفتیم که جنبش ایدئولوگ - نظامی بیتار راه‌انداخت و رهبر معنوی آن نیز بود. اما ایشان با حفظ سیمت، تا زمان مرگش، فرمانده تمام قوای داخلی و خارجی ایرگون هم شد. به ژابوتینسکی بنیان‌گذار صهیونیسم تجدید نظر طلب هم می‌گفتند؛ به خاطر همان دعوای و ابداعات جدید که در مدیریت و رهبری سازمان جهانی صهیونیسم و آژانس یهود داشت. به همین خاطر بیشتر اعضای ایرگون از بتار و جنبش یهودیان تجدید نظر طلب تبعیدی بودند. اعضای که به دلیل افراط‌گری، هنوز نیامده و در فلسطین جاگیر نشده، از آنجا تبعید شده بودند. جنبش تجدید نظر طلبی هم یک وجهه عمومی به ایرگون بخشید هم در تشکیل قوای امنیتی و مسلح در خارج از سرزمین‌های اشغالی بسیار به درد خورد. اگر هاگانا را اسکلت و ساختمان ارتش رژیم اسرائیل (IDF) بدانیم، قطعاً ایرگون را می‌شود پی و اسکلت موساد دانست؛ جدای از این که بیشتر اعضای آن بعد از تشکیل دولت به دسته تقسیم شدند، عده‌ای به ارتش رفتند و سیستم اطلاعاتی آن یعنی «امان» را تشکیل دادند و عده بیشترشان به موساد پیوستند. البته که این سازمان هنوز هم وجود دارد و فعالیت می‌کند.

دکترین مهار و شکستن

ژابوتینسکی دیوانه‌ای بود که با کمی تغییر در مقالات قبلی که منجر به تشکیل بیتار شد، دکترین دیگری برای این گروه خلق کرد که جوابگوی خلق و خوی آن‌ها باشد. احتمالاً تا اینجا فکر می‌کنید که اعضای ایرگون از یهودیان معتقد به دین یهودی یا مذهبی‌های افراطی معتقد به نبرد آرماگدون هستند؛ اما نه. بیشتر اعضای ایرگون که گفتیم از فرماندهان هاگانا و بیتار بودند، جوانان ۱۷ تا ۲۵ ساله مجرد هستند که بیشتر آن‌ها اشکنازی‌های مهاجرت‌نا تیهودیان بومی و ارتدکس یا حریدی. بخشی از این اعضا، چیزی در حدود ۲۷ درصد از اعضای ایرگون سفاردی بودند و تنها ۱۵ نفر زن در آن عضویت داشتند. البته



مناحیم بگین، نخست وزیر
اسرائیل و فرمانده ایرگون از سال

۱۹۴۳ تا ۱۹۴۸

اگر بنابر آمارهای خودشان جمعیت فعالان ایرگون چه در داخل و چه در خارج را ۶۲۰۰ نفر بگیریم. اعمال و رفتار این گروه‌های نظامی و امنیتی یهودی در نهادسازی و تشکیل کادر، به شدت تحت تأثیر جریان‌های چپ و گروه‌های چریکی بود. اتفاقاً سکولار بودن این مهاجران و اتصال کمتر آن‌ها به دین یهود باعث شده تا دکترین ژابوتینسکی بیشتر مورد قبول آن‌ها باشد تا تعلیمات تلمود. هرچند که رفته‌رفته خود اعضای گروه متوجه این نکته شدند که باید یهودیان بیشتری، به خصوص مذهبی‌ها را جذب کنند. اگر بومی باشند که چه بهتر. اینجا ژابوتینسکی دکترینی خلق کرد که بنا بر ادعای خود از داستان طالوت و جالوت الهام گرفته بود. چیزی که به آن دکترین مهار و شکستن می‌گفت. اینجا در کنار ژابوتینسکی پای شخص دیگری وسط آمد و در ایرگون تأثیرگذار شد که خلاهای ژابوتینسکی را پر می‌کرد. چیزی که به آن منابع ایدئولوژیک اضافی برای جذب و القای روحیه مبارزه بیشتر می‌گفتند. آبراهام تهومی و یوری زوی گرینبرگ. آبراهام به موازات ژابوتینسکی رهبری ایرگون را به همراه داشت و همچنین اشعار یوری زوی هم تأثیرگذار بر مذهبی‌های بومی سرزمین‌های اشغالی بود.

سربازان گمنام

آهنگ سربازان گمنام اثر آبراهام استرن (یائیر)، یکی از فرماندهان این سازمان، به عنوان سرود این سازمان در سال ۱۹۳۳ برگزیده شد که البته بعدها، پس از استعفای استرن از ایرگون و تأسیس سازمان دیگری که منشعب از ایرگون بود، به نام «لهی»، سرود ایرگون به بیت سوم «سرود بیتار» اثر ژابوتینسکی تغییر یافت. حدود دو سال پس از تأسیس، اتزل تحت یک «کمیته نظارتی» فعالیت می‌کرد که شامل نمایندگان اکثر احزاب صهیونیستی غیر کارگری بود. بعد از مرگ ژابوتینسکی در سال ۱۹۴۰ رابطه ایرگون با سازمان جهانی و آژانس بهتر شد اما بعد از ۱۹۴۴، زمانی که ایرگون علیه حکومت بریتانیا اعلام جنگ کرد، این ارتباط قطع شد. تا جنگ جهانی دوم، ایرگون با قاجاق سلاح‌های خریداری شده در اروپا، به ویژه از ایتالیا و لهستان، توانست خود را مسلح کند. اما هرچه به روزهای تشکیل دولت نزدیک می‌شویم، این سازمان علاوه بر استفاده از سلاح، کارگاه‌هایی تأسیس کرده که قطعات یدکی و لوازم جانبی سلاح‌های سنگین هم تولید می‌کردند. از اوایل سال ۱۹۳۶، اولین تلاش‌ها برای تولید سلاح، در کارگاه‌ها و انبارهای زیرزمینی هواداران سازمان آغاز شد. در سال ۱۹۳۹، تولید پیشرفته‌تر مین‌های تحت فشار برای منفجر کردن خطوط راه‌آهن و مین‌های انفجاری برای تخریب ساختمان آغاز شد. سلاح‌هایی که با آن‌ها برای هدف قرار دادن نیروهای بریتانیایی، نیروهای نازی در آلمان و حتی یهودی‌ها برای جلب ترحم استفاده می‌شد. مثل انفجار در هتل کینگ دیوید.